بیکاری و آسیب‌های اجتماعی

بخش سوم

بهاره کلهر ـ کارشناس روانشناسی

اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت مقدماتی و صحیح خانوادگی محروم باشد و خانواده‌اش او را از مضرات اعتیاد مطلع نکرده باشد و در محیط اعتیاد زندگی کند و با دوستان معتاد نیز سر و کار داشته باشد، احتمال اینکه معتاد شود، زیاد است. محیط نیز از جمله عوامل تاثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته یا ناشایست است.

در پیدایش هر جرمی با تحلیل دقیق به این نتیجه می رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملا مناسبی برای فرد بزهکار فراهم آورده و عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی بوده است. اگر نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و برنامه‌های هدفدار و مشخصی طرح ریزی شود امکان انحراف اجتماعی در جامعه و در میان افراد بسیار ضعیف خواهد بود. نوجوانی و جوانی یکی از مهمترین مراحل زندگی محسوب می شود و آخرین مرحله‌ی تحول شناختی و گذر از مرحله‌ی پیرو دیگران بودن است؛ دوره‌ای که نوجوان به هویت واقعی خویش دست می‌یابد. نوجوان با خود می گوید اکنون من دیگر کودک نیستم، یک بزرگسال هستم. در این مرحله دیگر والدین نمی توانند به او کمک چندانی کنند، زیرا وی الگوهای خود را در جای دیگری جست‌وجو می کند. همچنین میل به اظهار وجود و اثبات خود یکی از طبیعی ترین حالات روانی دوره‌ی نوجوانی و جوانی است. نوجوان و جوانی که دوره‌ی کودکی را پشت سر گذاشته باید خود را برای زندگی مستقل اجتماعی آماده کند. تحقق این موضوع پیش از هر چیز مستلزم یافتن هویت خویشتن است. از این رو می‌توان گفت بیشتر انحرافات نوجوانان و جوانان ریشه در ناکامی‌های اولیه‌ی زندگی دارد.

آسیب‌های اجتماعی و بحران طلاق

بیکاری، اعتیاد به موادمخدر، فقر اقتصادی، مهاجرت، اختلافات طبقاتی و رویای به دست آوردن زندگی بهتر از عواملی هستند که فشارهای روانی زیادی را بر زندگی مشترک زن و مرد وارد می کنند.

در بسیاری از این موارد، به دلیل سستی پایه‌های زندگی و نبود تفاهم و شناخت زوج‌ها از یکدیگر، زندگی مشترک زن و مرد حتی با داشتن فرزند و زندگی مناسب به جدایی می‌انجامد که این مساله نیز بر آسیب‌های اجتماعی می‌افزاید.

اگر بپذیریم که بین مرد و زن تفاوت‌های فیزیکی و روحی بسیاری وجود دارد، آن گاه زن و مرد با شناخت بیشتر می توانند به تفاهم و درک متقابل در زندگی مشترک برسند.

گرایش و رویکرد خانواده‌ها از سنتی به مدرن، موجب بروز نابسامانی‌های مختلف در جامعه شده است. زنان ما بعضا دارای خواسته‌های خاص خود هستند که این خواسته‌ها در تناقض با فرهنگ سنتی خانواده‌ها قرار گرفته و تنش بین اعضای خانواده‌ها را افزایش می دهد. نابسامانی در خانواده‌ها و کم اعتنایی به حقوق زنان باعث بالا رفتن آمار طلاق، اعتیاد، خودکشی، افزایش کودکان خیابانی و سستی پایه‌های نظام خانواده می شود.

بیکاری نه تنها به افزایش «طلاق در کشور انجامیده، بلکه باعث شده تا معضلات دیگری چون افسردگی و بیماری‌های روانی، تنش‌های اجتماعی، فعالیت‌های ضدامنیتی و افزایش تعداد زندانیان، روند صعودی پیدا کنند».

به عقیده‌ی کارشناسان مسایل اجتماعی میزان نیاز جنسی زن و مرد نیز مانند آتش زیر خاکستر است و امروزه مسایل جنسی، تفاهم جنسی، آشنایی و شناخت درست آن یکی از مقوله‌های بنیادی در تداوم زندگی مشترک شناخته شده است.

متاسفانه وضعیت موجود با معیارهای دین مبین اسلام در حفظ قداست خانواده همخوانی ندارد، به طور میانگین از هر هفت ازدواج در جامعه‌ی ما، یکی منجر به طلاق می شود.

آسیب‌های اجتماعی و عوامل نامرئی آن:

آسیب‌های اجتماعی از چالش‌های قابل بررسی و تامل جامعه‌ی ماست و اخیرا نیز همایشی با شرکت ریاست مجلس شورای اسلامی و پیام آیات عظام در این رابطه تشکیل شد و اهمیت پردازش جدی به این معضل نیز بدان خاطر است که شیوع آسیب‌های اجتماعی و تسری آن به خانواده‌ها و جامعه امنیت روانی اعضا را به هم خواهد ریخت و بدون وجود امنیت پردازش به سایر ابعاد کاری بیهوده تلقی خواهد شد.

عوامل متعددی در پیدایش آسیب‌های اجتماعی دخیل هستند که پاره‌ای از آنها را می توان در کتب آسیب شناسی ملاحظه کرد مثل بیکاری، فقر، تنش‌های درونی افراد، مشکلات تربیتی در خانواده‌ها، تاثیرات تهاجم فرهنگی و حتی وجود دست‌های پنهان استعمار در تباهی قشر جوان جوامع برای بهره برداری‌های خاص و ...

آسیب اجتماعی زخمی برای جامعه

مساله‌ی اجتماعی بسترساز آسیب اجتماعی است، مثلا طلاق یا افزایش سن ازدواج، تجرد یا بیکاری لزوما آسیب اجتماعی نیست؛ اما یک مساله‌ی اجتماعی است. در مواردی، مددکار به زوج پیشنهاد می کند، طلاق بگیرد، چون یک راه نجات است؛ اما طلاق می تواند زمینه ساز گرفتاری‌های دیگر مثل فرار بچه‌ها از خانه، ناسازگاری اجتماعی، تکدی گری، توزیع موادمخدر، سرقت‌های کودکانه و ... باشد، اما مساله‌ی اجتماعی و آسیب اجتماعی را باید از هم تفکیک کرد.

متاسفانه باید گفت در حال حاضر، انواع آسیب‌های اجتماعی را در جامعه داریم، برخی معتقدند که در قرن ۲۱، آسیب‌های اجتماعی برای جوامع انسانی اجتناب ناپذیر است؛ اما باید یادمان باشد که جامعه‌ی ما اسلامی است و خیلی با جامعه‌ی جهانی قابل مقایسه نیست و نباید از این راه وضعیت خودمان را توجیه کنیم.

اعتیاد

ایران یک هزار کیلومتر مرز مشترک با مرکز تولید موادمخدر دارد و کانال ارتباطی افغانستان با جهان کشور ماست، هر چقدر هم که وضعیت کنترل شود، اگر حتی یک درصد از چند درصد تن مواد مخدری که ترانزیت می‌شود، در کشور ما رسوب کند، مصیبت به وجود می‌آورد. چه بخواهیم و چه نخواهیم این وضعیت وجود دارد و تنها راه فرار این است که شرایطی در کشور به وجود بیاید که خواهان موادمخدر وجود نداشته باشد تا تقاضای آن به حداقل برسد.

خشونت

این استاد روانشناسی یکی دیگر از آسیب‌های اجتماعی را خشونت دانست و افزود: «خشونت‌های خانگی و اجتماعی به فراوانی دیده می شود، مردم نسبت به هم نامهربان شده‌اند و تحمل و گذشتشان به حداقل رسیده است. مردم در رفت و آمدهای عادی خود نیز بی قراری می کنند و آستانه‌ی تحملشان به حداقل رسیده است، در حالی که در فرهنگمان تعارفات عجیب و غریبی وجود دارد، در حال حاضر در خیابان‌ها می بینیم که هیچ اثری از این فرهنگ باقی نمانده است».

بزهکاری

میانگین سنی بزهکاران ۲۵ سال است و این خیلی دردآور است. چرا فرار از خانه زیاد شده؟ چرا بچه‌های معصوم فرار را برقرار ترجیح می دهند؟ در حالی که قانون اساسی کشورمان تاکید کرده که نهاد خانواده باید انسجام داشته باشد.

مقابله و پیشگیری از تهدید، آسیب‌ها، تخلفات و جرایم اجتماعی

روش‌های تربیتی اسلامی

فرح مرادی

بخش ششم

روش‌ها و هدف‌های تربیتی در اسلام

روش‌های تربیتی در اسلام در رابطه با جلوگیری از جرم

هدف اساسی تربیتی مکتب اسلام پرستش خدای یگانه است.

و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون (ذاریات، ۵۶)

همان‌طور که می‌دانیم عبادت و پرستش خدا یعنی خود را تسلیم حق کردن و از او اطاعت کردن، آنکه خدا را می پرستد یعنی با تمام وجود از او تبعیت می کند و در مسیر خداشناسی حرکت می کند.

در سوره‌ی حمد آمده است:

تقوا یک هدف اساسی تربیتی است و سرانجام نیک، مخصوص تقواست

«ایاک نعبد و ایاک نستعین» خدایا فقط تو را می پرستم و از تو یاری می جویم.

آنکه در برابر خداوند حکیم، عادل و مهربان تسلیم می شود و بندگی او را می پذیرد عالی ترین انگیزه‌های انسانی را بر وجود خود حاکم کرده است. همان‌طور که می دانیم شناخت خدا و پرستش او و ایمان به خدا هدف اصلی و اساسی نظام اعتقادی اسلام است. هدف‌های تربیتی اسلام مانند تقوا، عدالتخواهی، دانش جویی، خردوستی، ایثار و از خودگذشتگی عالی ترین هدف‌هایی هستند که نه تنها موجبات رشد و کمال انسان را در حیات فردی فراهم می کند، بلکه باعث رشد حیات جمعی نیز می شوند. از سوی دیگر، خداشناسی و پرستش خدا بنیان استواری است که نه تنها حرکت دایمی انسان را به سوی کمال و رشد تضمین می کند، بلکه به صورتی اطمینان بخش جلوی انحراف فرد و جامعه را نیز می گیرد.

تقوا

تقوا یک هدف اساسی تربیتی است و سرانجام نیک مخصوص تقواست.

کلمه‌ی تقوا به معنای حفظ و نگاهداری است و وقتی این کلمه در زمینه‌ی اخلاقی و تربیتی در مورد انسان به کار می رود به معنای حفظ خود، تسلط بر خود، اداره‌ی خود و قرار دادن اعمال و رفتار خود در مسیر عقلانی است.

ایجاد فرهنگ توبه در بازداری و ارتکاب مجدد به جرم

توبه یک روش تربیتی

«انما التوبه علی ا... للذین یعملون السوء بجهاله ثم یتوبون من قریب فاولئک یتوب ا... علیهم، و کان ا... علیما حکیما (نساء، ۱۷)

بدون تردید خدا توبه‌ی آنهایی را می پذیرد که از روی نادانی مرتکب عمل ناپسندیده می شوند و بعد به زودی توبه می کنند خداوند آنها را می بخشد و توبه‌ی آنها را می پذیرد و خدا دانا و آگاه است.

«فمن تاب من بعد ظلمه واصلح فان ا... یتوب علیه، ان ا... غفور رحیم (مائده، ۲۹).

پس کسی که بعد از ارتکاب ظلم توبه کند و خود را اصلاح کند خداوند او را می بخشد و خدا بخشنده و مهربان است.

آموزش در اسلام

تعلیم و تربیت و عادت دادن

در امر تربیت باید دو جریان را از هم جدا کرد. این دو جریان در محافل تربیتی به عنوان تعلیم و تربیت و عادت دادن تعبیر می شود. پاره‌ای از مربیان این دو جریان را یکسان تلقی می کنند و تعلیم و تربیت را همان عادت دادن می دانند.

روابط با دیگران

اسلام به طور کلی پیروان خود را به همزیستی و حسن ارتباط با دیگران تشویق می کند. در سوره‌ی ممتحنه آیه‌ی ۸ چنین آمده است: «لا ینهیکم ا... عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان ا... یحب المقسطین».

خداوند شما را از دوستی با کسانی که با شما در کار دین جنگ نمی کنند و شما را از وطن خود خارج نمی کنند باز نمی دارد؛ بلکه از شما می خواهد که با آنها با عدالت رفتار کنید؛ زیرا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.

در این آیه به طور صریح همزیستی با دیگران توصیه شده است. حضرت علی (ع) وقتی مالک اشتر را به صحبت و نیکی نسبت به مردم توصیه می فرماید میان برادران دینی و برادران همنوع تفاوت نمی گذارد.

در این آیه‌ی شریفه‌ی زیر مساله‌ی تفاهم میان اقوام و ملل مطرح شده است.

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا (حجرات، آیه‌ی ۱۳)

ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت ملت‌ها و قبیله‌ها در آوردیم تا یکدیگر را بشناسید یا با هم تفاهم داشته باشید.

رشد عاطفی در جلوگیری و کنترل از بروز جرم

رشد عاطفی به صورت بروز عواطف و کنترل آنها ظاهر می شود. وقتی گفته می شود فردی از رشد عاطفی برخوردار است منظور این است که فرد می داند چگونه عواطف خود را ظاهر کند. از باب مثال خشم ممکن است به صورت‌های مختلف ظاهر شود. فرد ممکن است خشم خود را با ناسزاگویی، داد و فریاد راه انداختن، سرزنش منطقی، سکوت، ترک موقعیت و مانند این‌ها ابراز دارد. معمولا پاره‌ای از این اعمال با موازین اخلاقی و اجتماعی سازگار نیستند. فردی از رشد عقلانی برخوردار است که خشم خود را، مثلا به صورتی که مورد قبول یا تایید جامعه باشد ابراز دارد. سرزنش منطقی بهتر از ناسزاگویی و سکوت بهتر از داد و فریاد راه انداختن است. بهتر بودن یک رفتار مربوط به هماهنگ بودن آن رفتار با موازین اساسی جامعه است.

جنبه‌ی دیگر رشد عاطفی با نحوه‌ی کنترل عواطف ارتباط دارد. کسی از رشد عاطفی برخوردار است که بیشتر بتواند عواطف خویشتن را کنترل کند. انسان طبیعتا در زندگی با ناملایمات و مشکلات گوناگون روبرو می شود. برخورد با ناملایمات و مشکلات عواطف فرد را تحریک می کند. اگر انسان نتواند عواطف خود را تحت کنترل درآورد ادامه‌ی حیات برای او مشکل خواهد بود و به سختی می تواند با دیگران آمیزش کند.

در ضمن آیات قرآنی و گفته‌های پیشوایان معصومین به مسلمانان توصیه شده خشم خود را کنترل کنند. از تمایلات غیرانسانی یا هوای نفسانی پیروی نکنید و در برخورد با دیگران و مشاهده‌ی اعمال بی رویه‌ی آنان گذشته و اغماض نشان دهند.

واقعه‌ی زیر را که در کتاب داستان راستان (جلد اول) نوشته‌ی دانشمند فقید مرحوم مطهری که از جلد یازدهم کتاب بحارالانوار نقل شده است، مطالعه فرمایید: مردی مسیحی با امام باقر (ع) برخورد می کند و به امام می گوید: باقر از بقر است و به معنای گاو است. امام می فرمایند: من گاو نیستم و باقر به معنای شکافنده است. مرد مسیحی خطاب به امام باقر (ع)

انسانیت انسان در حد وسیع به جنبه‌ی اجتماعی حیات انسان وابسته است

می گوید: تو پسر زنی هستی که آشپز بود. امام در جواب می گوید: آشپزی حرفه‌ای است و این امر باعث ننگ و عار نیست. او به سخنان خود ادامه می دهد و می گوید: مادر تو سیاه، بی شرم و بدزبان بود. امام باقر (ع) در پاسخ او می گوید: اگر آنچه تو درباره‌ی من می گویی صحیح است خدا او را بیامرزد و اگر نادرست است خدا از گناه تو بگذرد. این واقعه نشان می دهد که امام چگونه در برابر این مرد واکنش نشان می دهد و تا چه حد می تواند عواطف خود را کنترل کند.

جنبه‌ی اجتماعی

جنبه‌ی اجتماعی شخصیت آدمی از اهمیتی خاص برخوردار است. همان‌طور که می دانیم انسان حیوانی اجتماعی است.

انسانیت انسان در حد وسیع به جنبه‌ی اجتماعی حیات انسان وابسته است. زبان انسان، ادراکات انسان، قدرت تفکر انسان، نحوه‌ی بروز و کنترل عواطف از سوی انسان، فرهنگ و تمدن انسان همه تحت تاثیر حیات جمعی قرار دارند. جریان‌های اجتماعی مانند سازگاری و تفاهم، همکاری، مخالفت، توافق و همزیستی اقوام و ملل ارکان اصلی حیات جمعی را تشکیل می دهند.

جریان جمعی منعکس کننده‌ی وضعی است که در آن فرد و گروه با هم ارتباط پیدا می کنند. این ارتباط تغییری را که مورد رضایت است به وجود می آورد. در سایه‌ی همین تغییر، زندگی جمعی برای افراد ممکن می شود.

مهمترین جریان‌های جمعی، سازگاری اجتماعی، همکاری، مخالفت، توافق و تشابه است.

خودشناسی

خودشناسی یکی دیگر از پایه‌های اساسی تربیت است و به تعبیر ملااحمد نراقی، شناخت نفس کلید سعادت دو جهان است و انسان بدون آن نمی تواند به سعادت و سرمنزل مقصود برسد، زیرا: شناخت خود به شناخت پروردگار کمک می کند. پیامبر (ص) نیز فرمودند: «من عرف نفسه فقد عرب ربه».

تک نسخه‌ی شفابخش برای دانش آموزان

چگونه فرزندانمان آینده را بارور کنند؟

مجید عسگری

کسانی که امروز چون نوارهای خام و بکر روی صندلی آرام و ساکت نشسته‌اند و چشمانشان بر لبانمان دوخته شده و منتظرند تا حرف‌های تازه و نو بشنوند، در روزگاری بسیار نزدیک، در فردایی روشن و ماندگار مردان بزرگ و نام‌آوری خواهند شد که ایران اسلامی به داشتن آنان می بالد و افتخار می کند. دانش‌آموزانی که امروز خاطرات ریز و درشت کودکی را به دوش گذاشته‌اند و تا روزهای بعد آن را با خود به این سو و آن سو می کشند در آینده‌ای بسیار نزدیک، از چهره‌های ماندگار این دیار خواهند شد که نام ایران و ایرانی را بر بلندای جهان، همواره روشن و پایدار نگه خواهند داشت. پس برای آن که چنین فرزندانی را محترم بدانیم و عزت و سلامتی دینی و شخصیتی و اعتقادی شان را پاس بداریم، به راستی چه باید بکنیم و چه وظایفی بر دوش داریم؟ برای پر کردن این نوارهای خالی چه نسخه‌ی شفابخشی را باید تجویز کنیم تا راه و منش آنان در تندباد حوادث تلخ و شیرین روزگار با موانع سخت و ناهموار برخورد نکند و راه را بی تاخیر و بی حادثه طی کنند؟ آنان ما را امین خود می دانند؛ پس این اعتماد وظیفه‌ی ما را برای حضور تاثیرگذار در فرایند لحظه به لحظه‌ی آنان سنگین تر می کند؛ اما این نسخه‌ی شفابخش را چه کسی یا کسانی باید بنویسند؟ چگونه باید بنویسند و چه کسانی باید آن را دریافت کنند؟ این سوالی است که همیشه نگرانی معلمان و اولیای دانش آموزان را در پی داشته که این نسخه‌ها چرا در روند بهبودی برخی از فرزندان آنان تاثیری نداشته و همواره مشکلات حاشیه‌ای مانعی برای سلامتی دایمی آنان شده است. این مشکلات حاشیه‌ای چگونه قد کشیده‌اند و چرا ما نمی توانیم از ابزارهایی که در اختیار داریم، برای مهار آن درست استفاده کنیم؟

پرداختن به صورت تخصصی و بسیار حرفه‌ای به این موضوع وقت گیر است؛ اما آنچه راه را برای رسیدن کوتاه می کند و دریافت این نسخه را سهل و آسان می کند همین است که دو طرف در شرایط کنونی شناخت چندان زیادی از یکدیگر ندارند. این شناخت باطنی است نه ظاهری. هم شیوه‌ی تدریس معلمان فراز و فرودهای زیادی را طی کرده، هم دانش آموزان به تغییرات محسوسی در زمینه‌های مختلف رسیده‌اند. زمینه‌هایی که آنان را با دنیای جدیدی آشنا کرده و مناسبات آنان را با دنیای پیرامون خود تغییر داده. پس بی دلیل نیست گاهی وقت‌ها ادبیات و حرف‌های دو طرف فهم آشنایی را نداشته باشد و چالش جدید و تازه‌ای را برای آنان باز کند. شاید مهم‌ترین دلیل برای آن که دانش آموزان راه را به اشتباه طی می کنند و زمینه ساز مشکلات بزرگی در این مسیر هستند. همین است که زبان مشترک بین آن دو، گاهی الکن می شود و معنای فهم مخاطب

به بن بست می رسد؛ اما بپردازیم به تک نسخه‌ی شفابخشی که امروز برای دانش آموزان ما حیاتی و مهم جلوه می کند. این نسخه در هیچ داروخانه‌ای نیست و هر کسی هم آن را نمی شناسد. اگر درست و به موقع آن را تجویز کنیم و حضور آن را برای همه‌ی دانش آموزان جدی بگیریم و کاری کنیم که همه از آن به درستی استفاده کنند، یقینا فرایند آن در زندگی ما آنقدر تاثیر خواهد داشت که بتواند فردای فرزندانمان را بی غبار و بی ابر به آسمان آبی و روشن وصل کند.

کوتاه کلام این که نسخه‌ی شفابخش برای دانش آموزان و فرزندانمان، کاشتن یا بارور کردن اعتقادات دینی و مذهبی است. وقتی ایمان هست، عشق به تقید و مذهب در گوشه‌های ساعت درسی نمود دارد، وقتی شوق رسیدن به هدفی والا و ارزشمند در جان بچه‌هایمان ما را به آینده امیدوار می کند، پس می شود روزگار خوش جوانی را در لابلای این ارزش‌ها به تماشا نشست و کودکان دیروزمان را به فردای بزرگ و سازنده وصل کرد.

دور نیست روزی که مذهب و ایمان بر هر آوردگاهی غالب شود و فرزندان ما از ورای ایمان و مذهب به زندگی ایده‌آل و روشنی در همه‌ی زمینه‌ها دست یابند.